

گفتمان عقب‌ماندگی نزد
روشنفکران ایرانی

مؤلف: علی اکبر

www.ketab.ir

سروش‌نامه	: اکبر، علی، ۱۳۶۱-
عنوان و نام پدیدآور	: گفتمان عقب ماندگی نزد روشنفکران ایرانی / مؤلف علی اکبر.
مشخصات نشر	: تهران: نشر فرزانه روز، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۰۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۱-۴۴۹-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۷۵-۲۸۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: عقب ماندگی - ایران
زیرموضوع	: Underdevelopment -- Iran
موضوع	: روشنفکران - ایران -- دیدگاه های سیاسی و اجتماعی
موضوع	: Intellectuals -- Iran -- Political and social views
رده بندی کنگره	: HN۶۷۰/۲/۲۸ الف ۷ ۱۳۹۵
رده بندی دیسی	: ۹۵۵:
شماره کتابشناختی ملی	: ۴۲۸۳۲۹۵



فرزان عقوب ماندگی نزد

روشنفکران ایرانی

مؤلف: علی اکبر

چاپ: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه؛ قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

ناظر چاپ: مجتبیٰ

طراح جلد: امیر وحید سعیدی فرد، طراحی و اجرا: ۴ میخ

لیتوگرافی: ارغوان

چاپ و صحافی: تاجیک

حق چاپ و نشر محفوظ است.



میدان ونک، خیابان گاندی شمالی، پلاک ۹، واحد ۱۰

تلفکس: ۸۸۸۲۲۴۷ - ۸۸۷۲۴۹۹ - ۸۸۶۷۹۴۴۳

صندوق پستی: ۱۹۶۱۵/۵۷۶

Email: info@farzanpublishers.com

www.farzanpublishers.com

www.farzanpublishers.ir

ISBN : 978- 964- 321- 449- 4

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۱-۴۴۹-۴

پیشگفتار و چکیده:

کتاب حاضر حاصل پژوهشی دربارهٔ دیدگاه روشنفکران ایرانی در ارتباط با مسألهٔ عقب‌ماندگی در ایران است. در دهه‌های اخیر کتاب‌هایی تحت عنوان «ما چگونه ما شدیم»، «زوال اندیشهٔ سیاسی در ایران»، «چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت» و «چرا عقب ماندیم» به چاپ رسیده است. هدف اصلی این کتاب‌ها، همان‌طور که از نام آن‌ها پدیدار است، این است که علل اصلی عقب‌ماندگی ایرانیان در طول تاریخ را مشخص و قرار دهند. در این آثار یا آثار مشابه، این مسأله که گفتمان عقب‌ماندگی در ایران به چه صورت شکل گرفته و در حیات خود با چه افت و خیزهایی مواجه شده، مورد ارزیابی قرار نگرفته است. این اثر پژوهشی سعی می‌کند تا برای نخستین بار تاریخچه‌ای تحلیلی-انتقادی از گفتمان عقب‌ماندگی در ایران را عرضه کند. پرسش محوری در این پژوهش این است که روشنفکران ما علل عقب‌ماندگی را از چه زوایایی مورد بررسی قرار داده‌اند و آیا موفق به ارائه نظریه‌ای جامع در این ارتباط شده‌اند یا خیر؟ به نظر می‌رسد پیش از اینکه هر نویسنده‌ای به تحقیق پیرامون علل عقب‌ماندگی ایران بپردازد یا بخواهد راهکارهایی برای رفع این معضلات ارائه دهد، باید نقاط ضعف و قوت آثاری را که پیش از او در این زمینه به چاپ رسیده است را ارزیابی کند و سؤالات اشاره شده را در برابر خود قرار دهد، تا بتواند با رویکردی جدید مسألهٔ عقب‌ماندگی در ایران را بررسی کند. زیرا تنها با مطالعهٔ دقیق فرآیند شکل‌گیری یک مسأله در طول

تاریخ آن است که می‌توان به درک مبانی آن در زمان حال نائل شد. در این کتاب تلاش شده است تا برای نخستین بار، سیر اندیشه‌های متفکران و روشنفکران ایرانی در مورد پدیده عقب‌ماندگی در ایران بررسی و با نگاهی انتقادی تحلیل شود. در واقع این کتاب علل عقب‌ماندگی ایرانیان را مورد ارزیابی قرار نمی‌دهد، بلکه تلاش می‌کند تا دریابد جامعه روشنفکر ایران مسئله عقب‌ماندگی ایران را از چه زوایایی مورد بررسی قرار داده و آیا موفق به ارائه تحلیلی جامع در مورد این موضوع شده است یا خیر.

www.ketab.ir

فهرست مطالب

تشکر و قدردانی.....	نه
پیشگفتار و چکیده.....	یازده
مقدمه.....	۱
شکل‌گیری گفتمان عقب‌ماندگی در ایران.....	۱
اهداف کتاب: روشن‌تر تحقیق.....	۲
پیش‌های بگر این کتاب.....	۴
محتوای فصول کتاب.....	۵
تعریف روشنفکر.....	۸
فصل اول: انتقال اقتدار بین شرق و غرب.....	۱۱
۱-۱ شرق و ایران در قرون نخستین هجری.....	۱۲
۲-۱ تغییرات عمده در غرب از رنسانس به بعد.....	۱۸
۳-۱ نتیجه‌گیری.....	۲۶
فصل دوم: آغاز گفتمان عقب‌ماندگی از طریق سفرنامه‌نویسی.....	۲۷
۱-۲ سفرنامه‌نویسی پیش از قرن نوزدهم.....	۲۸
۲-۲ سفرنامه‌نویسان ایرانی در اوایل قرن نوزدهم و اهمیت آثار آنها.....	۲۹
۳-۲ حیرت سفرنامه‌نویسان نسبت به مشاهداتشان در مغرب‌زمین.....	۳۲
۴-۲ گزارش‌های توصیفی سفرنامه‌نویسان ایرانی.....	۳۴
۵-۲ خصوصیات دیگر سفرنامه‌ها: تعریف و تمجید، آه و افسوس.....	۳۳
۶-۲ نتیجه‌گیری.....	۴۶
فصل سوم: نخستین اقدامات جهت رفع عقب‌ماندگی.....	۵۳
۱-۳ بی‌خبری دولت‌مردان قاجار از اوضاع جهان.....	۵۴
۲-۳ اهمیت جنگ‌های ایران و روسیه در آشنایی ایرانیان با عقب‌ماندگی.....	۵۵

- ۵۸..... ۳-۳ عباس ميرزا و پديدهٔ عقبنامدگی ايرانيان
- ۶۰..... ۳-۳ چرا عباس ميرزا؟
- ۶۳..... ۳-۳ اقدامات عباسميرزا
- ۶۵..... ۳-۴ اميركبير و عقبنامدگی ايران
- ۶۸..... ۳-۵ سپهسالار و عقبنامدگی ايرانيان
- ۷۲..... ۳-۶ دلايل شكست طرح اصلاح از بالا
- ۸۰..... ۷-۲ نتيجه‌گيري و تحليل‌هاي نهايي
- ۸۷..... ۴-۱ جل چهارم: مسألهٔ عقبنامدگی در ايران نزد روشنفكران مشروطه
- ۸۹..... ۴-۱ روشنفكران ايراني و جنبش مشروطه
- ۹۲..... ۴-۲ آيا از تفكر ريشه‌اي در مورد پديدهٔ عقبنامدگی و الزام براي برون‌رفت ايران از عقبنامدگی؟
- ۹۴..... ۴-۳ عوامل عقبنامدگی ايران از نگاه روشنفكران مشروطه
- ۹۵..... ۴-۳-۱ استبداد سياسي، عدم وجود قانون؛ عامل عقبنامدگی ايران
- ۱۰۴..... ۴-۳-۲ خط رايج در مملكت؛ عامل عقبنامدگی
- ۱۱۴..... ۴-۳-۳ حمله اعراب به ايران؛ عامل عقبنامدگی
- ۱۲۱..... ۴-۳-۴ دين، خرافات مذهبي و روحانيت؛ عوامل عقبنامدگی
- ۱۲۲..... الف) اسلام عامل تباهي ايران و اسلامستيزي ديني در عقبنامدگی
- ۱۲۴..... ب) روحانيون عامل عقبنامدگی و سكولاريسم دواني در عقبنامدگی
- ۱۲۹..... ج) باورهاي خرافاني عامل عقبنامدگی و اصلاح ديني در عقبنامدگی
- ۱۳۳..... ۴-۴ نتيجه‌گيري و تحليل‌هاي نهايي
- فصل پنجم: موضوع عقبنامدگی ايران نزد روشنفكران پس از مشروطه تا
- ۱۳۹..... مقطع انقلاب اسلامي
- ۱۴۰..... ۵-۱ اندیشه ناسيوناليسم نزد روشنفكران ايراني در بعد از انقلاب مشروطه
- ۱۴۷..... ۵-۲ غرب‌گرایی مطلق
- ۱۵۳..... ۵-۳ بومي‌سازي
- ۱۵۴..... ۵-۳-۱ مفهوم بومي‌سازي

۱۵۶	۵-۳-۲ آغاز فکر بومی‌سازی (روشنفکران مشروطه).....
۱۵۷	الف) طالبوف.....
۱۵۹	ب) سید جمال‌الدین اسدآبادی.....
۱۶۲	۵-۳-۳ بومی‌سازی در میانه راه.....
۱۶۷	۵-۳-۴ بومیگرایی در دوره پهلوی دوم.....
۱۶۷	الف) فخرالدین شادمان (۱۳۴۶-۱۲۸۶).....
۱۷۴	ب) سید احمد ان نراقی.....
۱۷۸	ج) بلال آل‌احمد.....
۱۸۸	د) علی شریعتی.....
۱۹۷	۵-۴ نتیجه‌گیری و تحلیل‌های نهایی.....
۲۰۳	فصل ششم: گفتار عن عقب‌ماندگی نزد روشنفکران بعد از انقلاب اسلامی
۲۰۴	۶-۱ نظریه کاظم علمادری.....
۲۰۵	۶-۱-۱ اقتصاد و شرایط اقلیمی و اقلی کابردی عقب‌ماندگی.....
۲۰۹	۶-۱-۲ جدایی دین از حکومت و مدرنیسم.....
۲۱۲	۶-۱-۳ چکیده نظر علمداری و تحلیل آن.....
۲۱۶	۶-۲ نظریه سید جواد طباطبایی.....
۲۱۷	۶-۲-۱ رویکرد طباطبایی به مسأله انحطاط و عقب‌ماندگی.....
۲۱۸	۶-۲-۲ دلایل عقب‌ماندگی ایران و ایجاد شرایط انحطاط در اول تاریخ.....
۲۲۰	۶-۲-۳ ادامه عقب‌ماندگی‌های ایران در دوران مدرن.....
۲۲۲	۶-۲-۴ راهکار طباطبایی.....
۲۲۴	۶-۲-۵ بررسی و تحلیل نظریه طباطبایی.....
۲۲۷	۶-۳ عبدالکریم سروش.....
۲۲۸	۶-۳-۱ پیش‌فرض‌های سروش در تحلیل مسأله عقب‌ماندگی.....
۲۲۸	۶-۳-۲ رویکرد سروش به مسأله عقب‌ماندگی.....
۲۲۹	۶-۳-۳-۱ ناکامی مسلمان.....
۲۳۵	۶-۳-۳-۲ راهکار سروش.....

۲۳۶	۴-۳-۶ بررسی و تحلیل نظریهٔ سروش
۲۳۹	۴-۶ نظریهٔ صادق زیباکلام
۲۴۰	۱-۴-۶ بحث کلی کتاب زیباکلام
۲۴۰	۲-۴-۶ نقش عوامل اقلیمی در عقب‌ماندگی ما
۲۴۲	۳-۴-۶ نقش افول علمی در عقب‌ماندگی ما
۲۴۵	۴-۴-۶ نقش عوامل خارجی در عقب‌ماندگی ما
۲۴۶	۴-۶ چکیدهٔ نظریهٔ زیباکلام و تحلیل آن
۲۵۰	۵- نتیجه‌گیری و تحلیل‌های نهایی
۲۵۹	فصل پنجم: نتیجه‌گیری
۲۷۵	مراجع و منابع
۲۸۷	مراجع و منابع انگلیسی

مقدمه

شکلی گیری گفتمان عقب ماندگی در ایران

ایران از دیرباز مهدی بی ادبانه ای بزرگ تمدن بشری بوده است. در دوره فرمانروایی هخامنشیان، ایران را کنایه یونان، قطب برتر قدرت جهانی بود. در دوره های اشکانیان و ساسانیان نیز ایران یکی از دو قدرت برتر جهان به شمار می رفت، اما این بار در کنار امپراتوری روم پس از حمله اعراب، ایران نقشی عمده در شکوفایی تمدن اسلامی (که از قرن دوم هجری آغاز شد و تا قرن پنجم ادامه یافت) ایفا کرد. در این دوران، ایران شاهد بروز و ظهور اندیشه های فلسفی و علمی بود و اندیشمندان ایرانی موفق شدند که در تالیفات علمی و فلسفی جدیدی را به جهان دوران خویش عرضه کنند؛ ولی این وضعیت ادامه نیافت و از قرن پنجم هجری، ایران به همراه دیگر کشورهای اسلامی رونق و شکوفایی گذشته خود را از دست داد. با آغاز دوران روشنگری در غرب (در حالی که ما ایرانیان در خواب غفلت فرو رفته بودیم)، غرب به تدریج سوی سبقت را از ما ربود و به پیشرفت هایی چشمگیر در زمینه های مختلف علمی، صنعتی، فلسفی، هنری و ادبی دست یافت. این پیشرفت ها به مدت چند قرن ادامه یافت و اختلاف بین ایران و غرب را بسیار گسترده تر از قبل ساخت.

هرچند که ایران در قرن شانزدهم میلادی و در دوران صفویه با غرب روبه رو شده بود، ولی این رویارویی های نخستین فقط در محدوده روابط

سیاسی و بازرگانی باقی مانده بود. نکته مهم‌تر اینکه شاهان صفوی در این دوره به قدرت خود می‌بالیدند و ضعف چندانی در مقابل مغرب‌زمین احساس نمی‌کردند. جمشید بهنام متذکر می‌شود: اگر هم ایرانیان روابطی با اروپائیان در این دوره داشتند، «آن‌ها را هم طراز خویش می‌دانستند و هیچ‌گونه احساس عقب‌ماندگی در کار نبود».^۱ در مجموع می‌توان گفت ایرانیان به مدت چند قرن، حتی از پیشرفت‌هایی که غربیان به آن دست یافته بودند، اطلاع چندانی نداشتند. تنها در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی بود که برخی اندیشمندان و سیاستمداران ایرانی از پیشرفت‌های ملل غربی آگاهی یافتند و اختلاف میان ایران و غرب به وجود آمده بین ایران و اروپا پی بردند. تنها از این زمان به بعد بود که عقب‌ماندگی در ما ایجاد شد. در واقع تا زمانی که ما به‌طور جدی ز تحولات به وجود آمده در غرب مطلع نبودیم، احساس عقب‌ماندگی نیز در ما وجود نیامده بود. بنابراین می‌توان گفت که در نگاهی کلان، گفتمان عقب‌ماندگی در ایران بر این اساس شکل گرفته که جامعه ایرانی در مقایسه با غرب به رشد و ترقی دست نیافته است. به عبارت دیگر، با وجود واقعیتی به نام غرب، به عنوان امر دیگر، مفهومی و واقعیتی چون امر خودی شکل گرفت. بر این اساس بود که دو عنصر غرب و پیشرفته و ایران عقب‌مانده وارد ادبیات سیاسی و اجتماعی ایرانیان شد.

اهداف کتاب و روش تحقیق:

از زمانی که ایرانیان به عقب‌ماندگی خود در برابر مغرب‌زمین پی بردند، به تدریج واکنش‌هایی در ارتباط با این مسأله نشان دادند. این کتاب در پی آن است که واکنش‌های روشنفکران ایرانی را در مورد مسأله عقب‌ماندگی در ایران مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهد و آن را از زوایای مختلف به چالش بکشد. در واقع سؤال محوری این اثر عبارت است از اینکه قشر روشنفکر ایرانی در حیات صد و پنجاه ساله خود به مسأله عقب‌ماندگی در ایران چگونه نگرسته

است؟ برای پاسخ به این پرسش، تاریخچه تحلیلی گفتمان عقب‌ماندگی از زمانی که این گفتمان وارد ادبیات سیاسی ما می‌شود تا مقطع کنونی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این کتاب واکنش ایرانیان نسبت به مسئله عقب‌ماندگی در پنج مقطع تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مرحله اول و دوم مراحل است که گفتمان عقب‌ماندگی وارد ادبیات سیاسی ایرانیان می‌شود. در مرحله نخست، افکار سفرنامه‌نویسان ایرانی که در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم به فرنگ سفر کردند مورد بررسی قرار می‌گیرد و واکنش آن‌ها نسبت به مسئله عقب‌ماندگی را ایران‌یان می‌شود. مقطع تاریخی دوم مرحله‌ای است که در آن طرح‌نوسازی سیاسی در ایران آغاز می‌شود. اقدامات برخی از اصلاحگران حکومتی همچون عباس‌میرزا و رشیدالدوله در جهت رفع معضل عقب‌ماندگی در ایران صورت گرفت، با آن‌ها مواضع و مواضع تاریخی سوم تا پنجم مصادف با دوره‌ای است که قشر روشنفکر ایرانی متولد می‌شود. در مقطع تاریخی سوم، یعنی دوره جنبش مشروطه، واکنش روشنفکران ایرانی در مورد پدیده عقب‌ماندگی در ایران بررسی می‌شود. بحث در مورد واکنش‌های روشنفکران ایرانی در مورد مسئله عقب‌ماندگی در ایران در فضا تاریخی چهارم ادامه می‌یابد. این مقطع عبارت است از دوره پس از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی. در نهایت نظریات روشنفکران ایرانی در مقطع پنجم، که مربوط به دوران پس از انقلاب اسلامی تاکنون می‌شود، بررسی و تحلیل می‌شود.

طبیعی است که نمی‌توان به بررسی آرا و افکار همه روشنفکرانی که در یک مقطع تاریخی می‌زیستند، پرداخت. بنابراین در هر دوره چند تن از مشهورترین و تأثیرگذارترین متفکران ایرانی انتخاب شده و اندیشه‌ها یا عملکردهای آن‌ها در مورد مسئله عقب‌ماندگی در ایران بررسی می‌شود. این شیوه تحقیق، "مطالعه موردی" نامیده می‌شود و پژوهشگران متعددی در تحقیقات خود آن را به‌کار گرفته‌اند.^۱ محققان هنگامی که قصد مطالعه یک

واحد آماری را دارند از این شیوه تحقیق استفاده می‌کنند. در تحقیقاتی مشابه این کتاب، این شیوه به کار می‌آید زیرا امکان بررسی افکار همه افراد، متفکران یا روشنفکرانی که در یک مقطع تاریخی در مورد موضوعی نظریه‌پردازی کرده‌اند، وجود ندارد و در نتیجه محقق دست به انتخاب می‌زند. از سوی دیگر از آنجا که بنا به موضوع تحقیق، نیاز به نقد و بررسی نظریات متفکران، سیاستمداران و روشنفکران ایرانی درباره مسأله عقوبت‌ماندگی وجود داشته است، در این کتاب از شیوه مطالعه انتقادی استفاده شده است. در این شیوه محقق از ابتدای تحقیق فرض یا فرضیات خود را بر اساس مطالعه نقدانه می‌گذارد و با تکرار انتقادی و معرفت علمی به تحقیق پیرامون موضوع می‌پردازد. ارزیابی انتقادی در مجموع شامل سه مرحله است؛ در مرحله اول پیش فرض‌هایی که ماهیت روی آن‌ها پایه‌گذاری شده، مورد سنجش قرار می‌گیرد، در مرحله دوم آموزه‌های پیشنهادشده از سوی نظریه‌پرداز با پیش فرض‌های او مقایسه می‌شود تا میزان هماهنگی و تناسب میان دیدگاه‌های او و تعاریف و پیش فرض‌های وی مشخص شود، در مرحله آخر کلیت اندیشه‌ها و آموزه‌های نظریه‌پرداز مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع در این مرحله این موضوع بررسی می‌شود که تجویزها، راه حل‌های نظریه‌پرداز تا چه اندازه عام و فراتاریخی است.^۱

پرسش‌های دیگر این کتاب

برای پاسخ به سؤال اصلی این کتاب، چندین پرسش دیگر مطرح می‌شود که جواب دادن به آن‌ها برای ارائه ارزیابی و تحلیلی مناسب، ضروری به نظر

اختران، چاپ دوم، ۱۳۸۷؛ حسین کاجی، کیستی ما از نگاه روشنفکران ایرانی، تهران، انتشارات روزنه، چاپ دوم، ۱۳۷۸

۱. به نقل از گودرزی، دین و روشنفکران مشروطه، ص ۲۷۸

۲. سید علی محمودی، نواندیشان ایرانی: نقد اندیشه‌های چالش‌برانگیز و تأثیرگذار در ایران معاصر، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۹۴، ص ۱۹.

می‌رسد. این پرسش‌ها عبارت‌اند از:

۱- گفتمان عقب‌ماندگی در ایران چگونه و از چه زمانی وارد ادبیات سیاسی و اجتماعی ایران شد و تا چه اندازه آشنایی با تحولاتی که در مغرب‌زمین رخ می‌داد، موجب پیدایش این گفتمان نزد متفکران ایرانی شد؟ نخستین اقدامات ما ایرانیان جهت رفع معضل عقب‌ماندگی چه بود و چرا این اقدامات به حل این معضل منجر نشد؟ فصل دوم و سوم این کتاب این پرسش را پاسخ می‌دهد.

۲- روشنفکران ایرانی در هر مرحله چه عواملی را برای عقب‌ماندگی ایران برشمردند؟ آیا آنها تنها سعی کردند تا به تبیین دلایل عقب‌ماندگی بسنده کنند، یا برای رهایی هر انسان خویش از معضل عقب‌ماندگی راه حل نیز ارائه داده‌اند؟

۳- روشنفکران ایرانی در هر مرحله چه چیزهایی را نشانه عقب‌ماندگی به شمار می‌آوردند؟ آیا نشانه‌ها از عقب‌ماندگی در ایران نزد آنها تنها محدود به عرصه‌های علمی و صنعتی بود، یا عرصه‌های دیگری چون مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را نیز در بر می‌گرفت؟

۴- گفتمان عقب‌ماندگی در ایران در هر مرحله نسبت به مرحله قبل دستخوش چه تغییر و تحولی شده است؟ آیا درک ذهنی متفکران ایرانی از مسئله عقب‌ماندگی در ایران در هر مرحله نسبت به مرحله قبل، از عمق و وسعت بیشتری برخوردار بوده است یا خیر؟

۵- چه نقدهایی به متفکران و روشنفکران ایرانی در مورد تحولات ایران در ارتباط با مسئله عقب‌ماندگی در ایران وارد است؟

۶- در کدام مقطع تاریخی روشنفکران ایرانی موفق به ارائه نظریاتی جامع‌تر در مورد مسئله عقب‌ماندگی در ایران شدند؟

محتوای فصول کتاب

فصل اول کتاب، زمینه لازم برای ورود به موضوع اصلی تحقیق را فراهم

می‌سازد. در این فصل در ابتدا وضعیت علمی، فرهنگی و فلسفی جهان اسلام و ایران از حدود قرن دوم تا اوایل قرن پنجم هجری بررسی می‌شود. سپس رویدادهای مهمی که از قرن سیزدهم میلادی به بعد در غرب رخ داده است، بیان می‌شود. این فصل نشان می‌دهد که از قرن سیزدهم میلادی به تدریج شرایط پیشرفت غرب و افول ملل شرقی، از جمله ایران، مهیا شده است. این فصل مقدمه‌ای بر فصول بعدی است که در آن‌ها موضع متفکران ایرانی نسبت به اختلاف پدیدآمده بین شرق و غرب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل دوم نخستین آشنایی ایرانیان با غرب مدرن بررسی قرار می‌گیرد. خواهیم دید که این نخستین آشنایی، از طریق سفر برخی از نخبگان ایرانی به مغرب‌زمین شکل گرفت و در نتیجه آن، این افراد تلویحاً به عقب‌ماندگی ایران پی بردند. هدف اصلی این فصل این است که نشان دهد این افراد با کدام وجه از فرهنگ و تمدن غرب آشنا شدند و چه واکنشی در مورد مسئله عقب‌ماندگی در ایران نشان دادند. در این راستا چهار سفرنامه که حاصل سفر چهار تن از ایرانیان در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی به مغرب‌زمین است مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد. این سفرنامه‌ها عبارت‌اند از: سفرنامه عبداللطیف موسوی شیرازی، میرزا ابوالحسن شیرازی (معروف به ایلچی)، میرزا صالح شیرازی و «معلم اعظم».

فصل سوم نخستین اقدامات ما ایرانیان در مورد به معضل عقب‌ماندگی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بحث اصلی این فصل این است که طرح نوسازی از بالا در دوره قاجار، نخستین واکنش مقامات حکومت ایران به پدیده عقب‌ماندگی در ایران بوده است. در این فصل اقدامات سه تراز برجسته‌ترین کسانی که فرایند نوسازی از بالا را در ایران اجرا کردند، بررسی می‌شود. این سه تن عبارت‌اند از: عباس‌میرزا، امیرکبیر و میرزا حسین‌خان سپهسالار. در نهایت، این مسئله که، چرا طرح نوسازی از بالا در این دوره به شکست

۱. البته خواهیم دید که برخی از این افراد خود به مغرب‌زمین سفر نکردند و از طریق سفر به کشورهای چون هند با آنچه در مغرب‌زمین می‌گذشته، آشنا شده بودند.

انجامید و اقدامات این افراد نتوانست ایران را از عقب‌ماندگی‌های تاریخی خود نجات دهد، بررسی می‌شود.

از فصل چهارم به بعد بررسی گفتمان عقب‌ماندگی در میان نخبگان ایرانی را تنها به قشر روشنفکر ایرانی محدود کرده و از ارزیابی نظریات یا عملکرد سیاستمداران دوره‌های بعدی در مورد این مسأله اجتناب می‌کنیم. در فصل چهارم بیان می‌شود که با ظهور روشنفکران ایرانی در دوره انقلاب مشروطه بحث پیرامون پدیده عقب‌ماندگی در ایران دستخوش تغییر و تحولی جدی می‌شود. در این فصل موضع روشنفکران ایرانی در قبال مسأله عقب‌ماندگی به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد و راهکارهایی که این روشنفکران برای پیشرفت ایران ارائه داده‌اند بیان می‌شود. روشنفکرانی که افکارشان در این فصل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، عبارت‌اند از: مستشارالدوله تبریزی، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، طالبوف تبریزی و میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله.

در فصل پنجم دیدگاه روشنفکران ایرانی در مورد پدیده عقب‌ماندگی در ایران از مقطع انقلاب مشروطه تا پس از انقلاب اسلامی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اصلی‌ترین بخش این فصل به بحث‌هایی پیرامون فکر بومی‌سازی اختصاص می‌یابد. در این فصل ریشه‌های فکر بومی‌سازی که از همان دوره مشروطه آغاز شد، نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا دیدگاه چهار تن از بومی‌گرایان دوره محمدرضا شاه یعنی، فخرالدین شادروان، حسان نراقی، جلال آل‌احمد و علی شریعتی ارزیابی می‌شود. در نهایت در مورد میراث به وجود آمده در گفتمان عقب‌ماندگی در دوره پهلوی دوم نسبت به دوره‌های پیشین بحث می‌شود.

هدف اصلی فصل ششم ارزیابی واکنش برخی از روشنفکران بعد از انقلاب در برابر موضوع عقب‌ماندگی ایران است. در این فصل عللی که روشنفکران دو دهه اخیر برای عقب‌ماندگی ایران برشمرده‌اند و راهکارهایی که ارائه داده‌اند آورده خواهد شد. روشنفکرانی که افکارشان در این فصل مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: کاظم علمداری، سید جواد طباطبایی،

عبدالکریم سروش و صادق زیباکلام. در این فصل خواهیم دید گفتن عقب‌ماندگی در دو دهه اخیر نسبت به دوره‌های پیشین چه پیشرفت‌هایی کرده و به چه دستاوردهایی رسیده است. نقاط ضعف گفتن عقب‌ماندگی نیز در این دوره مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

تعریف روشنفکر

در اینجا که در این کتاب بارها از واژه روشنفکر استفاده خواهد شد و در برخی دوره‌های تاریخی، افرادی به‌عنوان روشنفکر انتخاب شده و به بررسی آرا و نظریات آن‌ها پرداخته می‌شود، در نتیجه لازم است در اینجا تعریفی از روش‌فکر ارائه شود. این تعریف، تعریفی جامع از روشنفکری نیست، بلکه تلاش شده تا تا آنجا که بر نوشته‌های صاحب‌نظران خصوصیات اصلی یک روشنفکر ذکر شود.

خصوصیات اصلی روشنفکر، انتقادی اندیشیدن است. محمد علی زکریا، روشنفکری را به ایرانی‌انلاق می‌کند که با سلاح نقد به ارزیابی و تحلیل مسائل دنیای جدید می‌پردازد. داریوش شایگان نیز مهم‌ترین خصوصیات روشنفکر را در نقادی می‌داند. «روشنفکر کاری جز نقد ندارد... روشنفکر فضول جامه است. نقشش بر بستن کتاب تضادهاست، در دستگاه دولتی، در قدرت سیاسی، در قدرت اجتماعی، در هر یک از نظامات فکری».^۱ بر این مینا است که روشنفکر از وضع اجتماعی و سیاسی منبج انتقاد می‌کند و اغلب به نقد اوضاع و احوال زمانه‌اش می‌پردازد.^۲ برای اینکه روشنفکر بتواند

۱. محمد علی زکریایی، جامعه‌شناسی روشنفکری دینی، تهران، نشر آذرین، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۰۰

۲. به نقل از گودرزی، دین و روشنفکران مشروطه، ص ۱۰۴

۳. سعید حجاریان، گونه‌شناسی جریان‌های روشنفکری ایران معاصر، در جامعه‌شناسی روشنفکری دینی، محمد علی زکریایی، تهران، نشر آذرین، ۱۳۷۸، ص ۲۶؛ حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۴

اوضاع و احوال زمانه خویش را با دیدگاهی انتقادی مورد ارزیابی قرار دهد، باید با دانش‌های نو آشنا باشد. از این رو برخی محققان یکی دیگر از خصوصیات یک روشنفکر را آشنایی با دانش و معرفت جدید می‌دانند.^۱ خصوصیات دیگر روشنفکر این است که با به کارگیری قدرت انتقادی برای حل مسائل و مشکلات جامعه خویش به نظریه‌پردازی مشغول شود.^۲ در واقع کار فکر، روشنفکر باید در راستای دستیابی به وضعیت بهتر باشد.^۳ بدین ترتیب می‌توان گفت که روشنفکران در هر دوره‌ای قصد تغییر وضع موجود را داشته‌اند. در نهایت ویژگی قشر روشنفکر این است که باید فکر و اندیشه خود را به جامعه نیز اعمال کند و سعی کند متونی مکتوب از خود باقی‌گذارد تا دیگران بتوانند بر مبنای آن اندیشه‌هایش داوری کنند.^۴ در نتیجه روشنفکران اغلب به رهبری و هدایت مردم در جامعه مشغول هستند. ماکس وبر، روشنفکران را گروهی می‌داند که در هر یک "جامعه فرهنگی" را بر عهده دارند.^۵

در این کتاب اصطلاح روشنفکر را در مورد کسانی به کار می‌بریم که ۱- دارای اندیشه انتقادی باشند. ۲- با دنیای زمان خویش آشنا باشد. ۳- برای بهبودی اوضاع جامعه خویش دست به نظریه‌پردازی بزنند. ۴- اندیشه خود را از طریق تدوین کتاب و نوشته‌های مختلف به جامعه اعمال کند و به هدایت فکری مردم مبادرت ورزند. بر مبنای خصوصیات ذکر شده، باید که از فصل چهارم تا ششم انتخاب شده‌اند، روشنفکر نامیده شده‌اند چرا که این افراد اغلب در خصوصیات فوق مشترک هستند. بدین ترتیب افرادی که در فصل دوم و

۱. تقی آزاد ارمکی، مدونیت ایرانی: روشنفکران و پارادایم فکری عقب‌ماندگی در ایران، تهران، نشر دفتر مطالعاتی- انتشاراتی اجتماع، ۱۳۸۰، ص ۳۵

۲. بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، ص ۲۷۴

۳. حجازیان، گونه‌شناسی جریان‌های روشنفکری ایران معاصر، ص ۲۶

۴. آزاد ارمکی، مدونیت ایرانی، ص ۳۵

۵. مهرزاد بروجردی، روشنفکران ایرانی و غرب: سرگذشت نافرجام بومی‌گرایی، ترجمه جمشید شیرازی، تهران، نشر فرزانه روز، چاپ ششم، ۱۳۹۳، ص ۴۰

سوم انتخاب شده‌اند، اغلب با عناوینی چون «متفکر» و یا «مصلح حکومتی» مورد خطاب قرار می‌گیرند و از ذکر لقب روشنفکر برای آن‌ها خودداری می‌شود، زیرا آن‌ها همه خصوصیات فوق را ندارند.^۱ در واقع جریان روشنفکری در ایران در دوره جنبش مشروطه متولد شد و اطلاق واژه روشنفکر به افرادی که در دوره پیش- مشروطه می‌زیستند چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.